

## پاسخ کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان به بیانیه حزب حیات آزاد کردستان "PJAK"

## پژاک و سیاست روباه صفتانه

روز دوشنبه ۲۵ تیر ماه - ۱۶ ژوئیه - گروهک تروریستی پژاک با صدور بیانیه ای با عنوان به خلق های قهرمان کرد و آذری! که در سایت اینترنتی اش ( [http://www.hpg-online.net/fr/page/news/news\\_66.html](http://www.hpg-online.net/fr/page/news/news_66.html) ) انعکاس یافته بود، تحلیلی از شرایط فعلی مبارزات ضد شونیستی ملت های ساکن ایران ارائه کرده بود. در این تحلیل که مخاطب اصلی آن ملت تورک آذربایجان بود، رهبران تروریست پژاک سعی کرده بودند که با ادبیات دمکراتیک مآبانه از ضرورت همراهی و هم‌رزمی ائتتیک ها و قومیت های ساکن ایران در مبارزه با حاکمیت ایران و شونیسم سخن به میان آورند. ولی نویسندگان این بیانیه به دلیل این که از مرض دست اندازی به اراضی دیگر ملت ها در رنج اند هر چقدر که سعی کرده بودند چهره کریه خشونت و تروریسم و توسعه طلبی ارضی خود را در پشت کلمات زیبا پنهان بنمایند، باز روحیه آغشته از نفرت آنان که بوی مرگ و نیستی می دهد از سطور این بیانیه عریان می شود.

حال با نگاهی به سطور این بیانیه، به عنوان کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان، سوالاتی را از رهبران PJAK می پرسیم که امیدواریم این اشخاص و افراد که به نا حق خود را نماینده مردم ستمدیده کرد معرفی می کنند، به آنها جواب دهند.

در یکی از سطور بیانیه چنین آمده است: در واقع در شرق کردستان رژیم از این تاکتیک سیاسی سئو استفاده کرده و سعی می نماید که خلق های آن منطقه یعنی کرد و آذری را رودر روی هم آورده و علی الخصوص تلاش می کند که با دامن زدن به تضاد های ملی - مذهبی اما اشتباه، میان اقلیت ها و ائتتیک های آن منطقه آنها را به حقارت به یکدیگر وا دارد.....

۱- با اینکه ما بهتر از هر کس دیگری می دانیم که نگرش رهبران تروریست پژاک در رابطه با اراضی غرب آذربایجان چیست ولی برای تنویر بیشتر افکار عمومی لطفا رهبران پژاک بصورت آشکار اعلام دارند که در نظر آنها به کدام منطقه کردستان شرقی اطلاق می شود؟

۲- از دیدگاه آنها در غرب آذربایجان چه ملتی در اکثریت و چه کسانی بدان جا مهاجرت کرده و در اقلیت هستند؟

۳- ما بار ها شاهد آن بودیم که گروهک های تروریستی PJAK - PKK در مناطقی از غرب آذربایجان که تورک های سنی در آنجا ساکن هستند با سئو استفاده از شیوه های نفرت بر انگیز، مطرود و قرون وسطی بر اختلافات مذهبی دامن زده و با سئو استفاده از مراکز علمی و مذهبی بر علیه شیعیان اقدام کرده اند، حال رهبران پژاک توضیح دهند که در حالی که خود با این سیاست به پیش می روند چگونه انتظار دارند که حاکمیت مذهبی ایران این سیاست را در پیش نگیرد؟

در قسمت دیگری از این بیانیه آمده است:

در این زمینه می توان به مسئله چاپ کاریکاتور در مورد خلق شریف آذری در سال گذشته اشاره نمائیم. چه بسا خود رژیم این آتش را بر افروخته و...

لطفا رهبران پژاک توضیح دهند که چه رابطه ای ما بین انسجام بین اقوام و ملت های تحت ستم در ایران و اعتراضات ضد آپارتایدی ملت آذربایجان در خرداد سال ۱۳۸۵ یافته اند؟ اگر رابطه ای هست بهتر است جواب دهند که این رابطه با حضور نظامی و اعمال تروریستی آنان در خانه دیگران و داشتن ادعای ارضی شان چگونه تعریف می شود؟

فعالین حرکت ملی آذربایجان بار ها و بارها در بیانیه ها و گفتار هایشان تاکید داشته اند که مبارزات ملی در آذربایجان بر پایه مبارزات مدنی و غیر خشونت آمیز استوار است، چرا رهبران پژاک که معتقد به مبارزه قهر آمیز و مسلحانه هستند، اراضی، خاک و خانه ملت آذربایجان را برای مبارزه با رژیم انتخاب کرده اند؟

آیا مصنوعی معرفی کردن اعتراضات خرداد ماه ملت آذربایجان، تمسخر یک ملت و مبارزات ملی آنان نیست؟

در جای دیگری اشاره شده که:

در پی این سیاست ها رژیم کنونی ایران، عملاً مزدوران خود را به کار و می دارد و از وجود اقلیت، قوم و مذهب جهت سرکوب دیگری استفاده می نماید، همچنان که در بهمن ۱۳۸۴ در ماکو، برای بدنام کردن خلق آذری و سرکوب کرد های منطقه از عوامل مزدور خود استفاده کرده و از آذری ها برای سرکوب کردها ی ماکو سئو استفاده به عمل آورد ...

واقعا زیرکی و تیز هوشی و ذکاوت رهبران تروریست پژاک قابل تحسین و لایق کف زدن و هورا کشیدن است. تاریخ بر همه ثابت کرده است که ملت آذربایجان که شما آن را با زیرکی اقلیت، قوم و مذهب می نامید در هیچ جای تاریخ نان به نرخ روز بخور و مزدور نبوده و همیشه با شرافت و سر بلند زیسته است. اگر می خواهید کلمه مزدوری را معنا کنید بهتر است کمی در تاریخ خود و اسلافتان نظری بیفکنید تا برایتان آشکار شود کی و چگونه نان مزدوری و حتی خیانت به ملت ستمدیده کرد را خورده اند.

در مورد حوادث بهمن ۱۳۸۴ ماکو و یا اسفند ۱۳۸۴ اورمیه ما به عنوان کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان بار ها اعلام کرده و می کنیم که حتی یک دقیقه اجازه اغتشاش و دست اندازی ارضی به خاک غرب آذربایجان را به کسی نمی دهیم. اگر در حوادث بهمن ۱۳۸۴ ماکو و اسفند ۱۳۸۴ اورمیه نقشه توریستی شما نقش بر آب شد ما به خود افتخار می کنیم و اگر باز اندازه نگه نداشته و چشم طمع بر مال دیگران داشته باشید، ما از این افتخار آفرینی ها بیشتر انجام خواهیم داد.

در بخش دیگر این بیانیه ظاهرا از روشنفکران، روزنامه نگاران و نهاد های جامعه مدنی خواسته شده است که مسئولیت بر دوش کشیده و مانع بروز اختلاف در بین آذری ها و کردها و سئو استفاده رژیم شوند.

ما نیز به عنوان کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان از بروز اختلاف و درگیری در بین ملت ها خصوصا بین ملت تورک غرب آذربایجان و اقلیت مهاجر کرد در غرب آذربایجان نفرت داریم و با تمام وجودمان سعی می کنیم که مرز مردم ستمدیده مهاجر کرد در غرب آذربایجان را با گروه های تروستی جدا نگه داریم، اما پیش شرط عدم بروز اختلاف ها، همانا خروج نیروهای تروستی کرد از منطقه غرب آذربایجان می باشد. در غیر این صورت هیچ روزنامه نگار و یا هر شخص دیگری نمی تواند اختلافات و تبعات خانمانسوز آن را کنترل نماید.

در مورد بخش دیگری از بیانیه که اشاره کرده است:

در پی اوج گیری اعتراضات قومی در کردستان شرقی مردم کرد و آذری به دنبال آلترناتیو می باشند و می توان با رهنمود ها و تفکرات رهبر آپو - عبدالله اوجالان - مبارزات مطلوب ....

تحلیل شما در مورد اوج گیری اعتراضات ملی کاملاً صحیح است ما هم بر آن باور داریم اما در کجای غرب آذربایجان که شما آن را کردستان شرقی می نامید مردم کرد دست به اعتراضات عمومی ملی زده اند، تنها تعداد انگشت شمار عملیات های ایذایی گروهک های تروستی بوده که در منطقه قربانی گرفته است و این اعمال تروستی حتی نفرت خود مردم کرد را نیز بر می انگیزد. اگر شما، رهبران خواب آلود می خواهید اعتراضات عمومی ملت کرد را مورد بررسی قرار دهید بهتر است سری به سنج و کرمانشاه بزنید. اما در مورد آلترناتیو و تفکرات پدران رهبر آپو - عبدالله اوجالان - باید اشاره کنیم که ملت آذربایجان فردی را که قاتل ۳۰۰۰۰ انسان بی گناه است و هر روز بمب های دست پروده این تروریست انسان ها را به کام مرگ و نیستی می برد تنها به چشم یک تروریست خطرناک می نگرد و معتقد است که باید این تروریست در دادگاه قانونی محاکمه و به مجازات اعمال خود برسد.

ما به شما رهبران PJAK - PKK یاد آور می شویم که ملت آذربایجان با هیچ کس و هیچ ملتی سر درگیری و جنگ نداشته و سربلندی و رفاه را برای همه انسان ها آرزو می کند. اقلیت مهاجر کرد در غرب آذربایجان این حق را دارا ست، که به عنوان یک انسان و با رعایت قانون در چارچوب مرزهای تاریخی آذربایجان با ملت آذربایجان در صلح و رفاه زندگی کنند. ملت کرد صاحب این حق است که به عنوان یک ملت صاحب کشور و دولت باشد و این مسئله به خود این ملت مربوط می شود. ما به شما گوشزد می کنیم که به خاطر رفاه و منافع ملت کرد هم شده دست از اعمال تروریستی خود در غرب آذربایجان، کرکوک و جنوب تورکیه بردارید، چون با این کارتان تنها ملت ستمدیده کرد را گرفتار رنج های فراوان می کنید.

## تحلیلی بر تحولات احتمالی در آینده سیاسی ایران و دکترین تروریسم کورد اؤزگور نبی

بحث حاضر نگاهی اجمالی بر دکترین تروریسم کورد برای تسلط بر اراضی غرب آذربایجان در صورت حمله احتمالی آمریکا و توانای های بالقوه و بالفعل مردم تورک غرب آذربایجان و فعالین حرکت ملی جهت مقابله با این استراتژی است.

با سرعت گرفتن معادلات جهانی و تمهیدات سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرت های بزرگ جهان برای مقابله با برنامه اتمی و احیا "تغییر حکومت در ایران، اکثر گروه های سیاسی و اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران سعی در آن دارند که خود را بعنوان آلتر ناتو جایگزین جمهوری اسلامی مطرح سازند. شورای مقاومت ملی ایران (سازمان مجاهدین خلق)، گروه های سلطنت طلب اقمار فرزند شاه مخلوع ایران، گروه های مشروطیت خواه و جمهوری خواه در خارج و نهضت آزادی، جبهه ملی ایران در داخل از جمله جریان هایی هستند که بر فعالیت های خود افزوده اند. اما به نظر می رسد اپوزیسیون خارجی و داخلی جمهوری اسلامی به سه دلیل عمده:

- ۱- عدم وجود مقبولیت مردمی.
- ۲- عدم دارا بودن ابزار های لازم جهت بسیج عمومی مردم در صورت لزوم.
- ۳- شرایط قومی و موزائیکی ایران و اقبال روز افزون جریان های ملی و قومی غیر فارس در ایران.
- ۴- نقش ملیت ها و قومیت ها در تغییر شرایط سیاسی و نظامی و ثبیت امنیت.

اقبال کمتری را در جلب نظر رهبران و ثورسین های سیاسی و نظامی قدرت های اروپایی و خصوصا "آمریکا را دارند. مسئولان سیاسی در وزارت امور خارجه (حامیان سیاست مماشات و ارتباط با ایران) و مسئولان نظامی در پنتاگون (حامیان سرنگونی و اقدام نظامی) و رهبران آمریکا در کاخ سفید، بعد از پیروزی رفرومیست های اسلامی ایران (خاتمی و اصلاح طلبان و جنبش دانشجویی) امیدوار بودند که تغییراتی در سیاست های حکومت اسلامی ایران پدید آید و همزمان سرمایه گذاری های سیاسی و مالی کلانی را بر روی برخی جریان های روشنفکری و سیاسی اپوزیسیون خارجی کرده بودند. ولی با عدم کار آبی این دو طیف به خوبی دریافتند که علیرغم فشارهای روز افزون اقتصادی، انسداد سیاسی و اجتماعی اعمال شده از سوی حکومت اسلامی بر روی مردم، این جریان ها و گروه های رفرومیست، روشنفکری و سیاسی توان تغییر شرایط را ندارند.

اما شرایط قومی و موزائیکی ایران و اقبال روز افزون جریان های ملی و قومی غیر فارس در ایران شرایط جدیدی را در عرصه سیاسی ایران به وجود آورد. این شرایط با جدی تر شدن فعالیت های احزاب سیاسی عرب، بلوچ، ترکمن و کرد قوت بیشتری به خود گرفت و در خرداد ۱۳۸۵ با وقایع آذربایجان (اعتراضات ملی در بیش از ۲۰ شهر آذربایجان) برخورد جهانی و بین المللی با ایران دچار دگرگونی های عمیقی شد که حتی فعالیت دیگر ائتتیک های ملی و قومی در ایران را نیز تحت شعاع خود قرار داد.

اروپایی ها و آمریکایی ها که در کشور های اتحاد جماهیر شوروی سابق، یوگسلاوی سابق بخصوص بعد از حوادث افغانستان و عراق به اهمیت و تاثیر ائتتیک های ملی و قومی در روند معادلات و حفظ آرامش پی برده اند. در جنگ افغانستان نیروهای ائتلاف ضد طالبان قبل از آغاز عملیات نظامی نظر اقلیت های قومی افغانستان را به خود جلب کردند و بعد از سقوط کابل، پشتون های حامی طالبان با چراغ سبز آمریکا توسط هزاره ها و سایر اقلیت های قومی افغانستان که از سوی طالبان سرکوب شده بودند قتل عام شدند. در جنگ خلیج فارس شاهد آن بودیم که پیشمرگه های کرد به عنوان طلایه داران ارتش آمریکا فاتحانه وارد بغداد شدند و با استفاده از اکثریت جمعیتی خود کرسی ریاست جمهوری را صاحب شدند، مقامات سابق عراق را به محاکم قضایی کشانیدند و در پاداشی که از آمریکا گرفتند در حال کشتار و اخراج ترکمن های کرکوک و سلیمانیه از اراضی تاریخی شان هستند. کورد های عراق با اینکه در جنگ خلیج فارس کشته فراوانی دادند ولی توانستند در حالی که ابزار و مترسک دیگران شده اند به رویاهای ایجاد دولت کورد نیز نزدیک شوند و ارتش کورد را با پرچمی مستقل در کنار ارتش ظاهری عراق بر پا کرده اند. آمریکا و

نیروهای ائتلاف هنگام جنگ و بعد از پایان جنگ حداقل برای حفظ آرامش شمال عراق از کارت کورد به خوبی استفاده کرده اند و در کنار آن به عنوان پاداش خدمت ها، از جنایت های رهبران اکراد و حضور تروریست های PKK-PJAK- HPG در شمال عراق چشم پوشی کردند.

به ظن بسیار قوی در معادلات و تغییرات احتمالی آینده خاورمیانه و ایران نیز آمریکا از پتانسل قوی ائتلیک های ملی و قومی در ایران چشم پوشی نخواهد کرد و برای وارد شدن به گود مبارزه با حکومت اسلامی ایران نیاز مبرم به نیروهای مخالف غیر فارس خواهد داشت. لذا از هم اکنون شرایط و توانمندی های ملیت ها و قومیت های غیر فارس ایران را تحت بررسی دقیقی قرار داده است. در ایران از منظر جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ملت های غیر فارس ساکن ایران را به ترتیب ذیل می توان تقسیم کرد:

- ۱- آذربایجانی ها (به دلیل اکثریت جمعیتی - گستردگی ارضی - پیشینه درخشان مبارزاتی و تاثیرات ملت آذربایجان در حوادث تاریخی - نفوذ در لایه های مختلف سیاسی و اداری ایران - نفوذ در ارکان های نظامی و انتظامی و امنیتی و قضایی ایران - تاثیر گسترده در اقتصاد ایران)
- ۲- عرب ها (به دلیل وجود منابع غنی نفتی و شاهرگ حیاتی ایران - هم مرزی با عراق به عنوان پایگاه اصلی ارتش آمریکا - مرز دریایی با کشور های عربی حامی آمریکا - حمایت های کشور های عربی در صورت خیزش عرب های الاهواز - تفاوت های مذهبی)
- ۳- کورد ها (به دلیل داشتن نیروی منسجم چریکی و نظامی - هم مرزی با کشور عراق به عنوان پایگاه اصلی ارتش آمریکا - تفاوت های مذهبی)
- ۴- بلوچ ها (به دلیل وجود تضاد های عمیق بلوچ ها با مرکز به علت تبعیض های اقتصادی و مذهبی - ارتباط نزدیک با گروه های مسلح افغانی - هم مرزی با افغانستان به عنوان پایگاه دوم ارتش آمریکا)
- ۵- ترکمن ها (به دلیل وجود ناراضی های گسترده به علت سرکوب شدید از سوی مرکز در اولایل انقلاب اسلامی - قرار گرفتن در مناطق مرکزی ایران - ارتباط نژادی با آذربایجانی های)

کورد های ساکن ایران به خوبی می دانند که شرایط موجودشان در ایران کنونی متفاوت از کورد های ساکن شمال عراق و اقلیت کورد ساکن تورکیه می باشد و بر خلاف عراق فرصت کمتری برای عرض اندام سیاسی خواهند داشت. لذا با تجربیاتی که از جنگ عراق آموخته اند، هم اکنون در تلاشند که با منسجم تر، پرتحرک تر و آماده تر ظاهر کردن خود امتیازات بیشتری را کسب کنند. بدین دلیل در ماه های گذشته بر شمار عملیات های تروریستی خود افزوده و منطقه را به نام ملت کورد ملتهب کرده اند.

رهبران گروه های تروریستی کورد بر این باورند که اگر حمله نظامی آمریکا و متحدانش جامه عمل بپوشد آنها خواهند توانست بعد از نیروهای خلع سلاح شده سازمان مجاهدین خلق (ارتش آزادیبخش ملی ایران که علیرغم قرار گرفتن نام آنها در لیست تروریست ها هنوز از بعد نظامی مد نظر مقامات آمریکایی هستند) به عنوان دومین نیروی مسلح و منسجم بازیگران عرصه سیاسی و نظامی در ایران شده و همچو عراق حرفی برای گفتن داشته باشند.

این تروریست ها که غرب آذربایجان را به مثابه شاه کلید تشکیل کوردستان یکپارچه می بینند به خود قبولانده اند که اگر در معادلات احتمالی آینده ایران بتوانند نظر فرماندهان آمریکایی را به خود جلب کنند حتما خواهند توانست به راحتی غرب آذربایجان را متصرف و با به اجرا در آوردن پروژه کرکوک و اربیل ترک های غرب آذربایجان را دچار سرنوشت ترک های ترکمن نموده و یک گام به تشکیل کوردستان بزرگ نزدیک خواهند شد.

آیا دکترین تروریسم کورد می تواند در غرب آذربایجان می تواند صورت واقعی به خود بگیرد؟

فرایند حوادث در خاورمیانه مویده آن است که منطقه منتظر دگرگونی و تحولات عمیقی است. احتمال بر خورد نظامی بین ایران و آمریکا جدی تر می شود. دولت مردان ایران دریچه های اقتصادی را تنگ تر کرده اند و جامعه را از نظر روانی برای روزهای بحرانی آماده (سهیمه بندی بنزین و گرانی نان و گرانی آب و برق به عنوان اصلی ترین مایحتاج از جمله آنهاست) می کنند. فضای سیاسی و اجتماعی کشور بشدت مسدود شده است و نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی در آماده باش کامل بسر می برند. این ها همگی بوی نامطلوب نسیم جنگ را به مشام می رسانند. بدون شک تروریست های کورد نیز این بو را می شنوند. در این وضعیت آمریکا و متحدانش نیز آنقدر هم بدشان نمی آید که یک نیروی بومی طلایه دار ارتش آنان باشد و اگر هم ماموریت به نحو احسن انجام شد فرصتی برای آنان داده شده (مثل ریاست جمهوری جلال طالبانی) و در صورت مصلحت از جنایت های آنها نیز (تصفیه قومی ترک های ترکمن در کرکوک و اربیل) چشم پوشی شود.

یعنی نتیجه می گیریم که دکترین تروریسم کورد برای تصرف اراضی غرب آذربایجان و نزدیک شدن به ایجاد کوردستان یکپارچه در تئوری امری قابل اجرا به نظر می رسد.

اما این دکترین دارای نواقصات و چالش های بزرگی نیز می باشد که رهبران تروریست کورد، این نواقصات عمده را که می تواند کلیت موجودیت ملت بدبخت کورد را به ورطه نابودی بکشاند از آنان پنهان می کنند و همیشه سرابی مثبت از توهم کوردستان بزرگ در ذهن انسان بدبخت کورد می سازند. رهبران تروریست کورد یک بار در عراق دچار این اشتباه فاحش شده و (در جنگ اول خلیج فارس بر حسب تغییر دیپلماسی جنگی آمریکا هزاران پیشمرگه کورد توسط نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق و نیروهای سازمان مجاهدین خلق در دروازه های بغداد قتل عام شدند) جوانان بدبخت و عامی کورد را قربانی توهم های خود کردند.

با بررسی مختصر موارد ذیل به برخی از واقعیت های پیش روی دکترین تروریست های کورد برای اشغال اراضی غرب آذربایجان می توان دست یافت.

- ۱- نیروی قدرتمند اطلاعاتی، امنیتی و نظامی ایران.
  - ۲- مقاومت، مانور و احتمال امتیاز دهی رهبران حکومت اسلامی در دقیقه نود.
  - ۳- شرایط بسیار برتر تورک های آذربایجان در تحولات احتمالی آینده ایران.
  - ۴- دخالت لابی دولت تورکیه در جنگ احتمالی ایران و غرب.
  - ۵- وجود ارتش قدرتمند تورکیه که بدون شک در تحولات آتی منطقه در کنار ارتش آمریکا قرار خواهد گرفت.
  - ۶- دخالت های لابی دولت مستقل آذربایجان.
  - ۷- هم مرزی جمهوری مستقل آذربایجان شمالی با بخش جنوبی آذربایجان.
  - ۸- وجود نظامیان تورک آذربایجانی در سیستم نظامی ایران که علیرغم وفاداری امروزی شان به دولت مرکزی، در صورت فروپاشی ارتش و سپاه در کنار ملت آذربایجان قرار خواهند گرفت.
  - ۹- رشد روز افزون شعور ملی در بین ملت آذربایجان.
  - ۱۰- قدرت گرفتن حرکت ملی آذربایجان و موفقیت روز افزون آن در به دست گرفتن سکان رهبری ملت آذربایجان.
  - ۱۱- ظهور تشکیلات های ملی در داخل آذربایجان و بیرون آذربایجان.
  - ۱۲- رشد روز افزون سطح آگاهی مردم غرب آذربایجان برای مقابله با تروریسم کورد.
  - ۱۳- تشکیل کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان برای مدافعه همه جانبه از تمامیت ارضی آذربایجان.
- در کنار این واقعیت ها که دکترین و استراتژی های تروریسم کورد در اشغال اراضی غرب آذربایجان را با چاه بزرگی روبرو می کند. باید به این امر نیز توجه داشت که قدرت های بزرگ جهانی با توجه فاکت ها و واقعیت های عینی منافع خود را بهتر از همه کس ارزیابی می کنند و هرگز منافع

دراز مدت خود را قربانی منافع کوتاه مدت خود نخواهند کرد. شاید در مقطعی برای رسیدن به سرپل ها از کارت کورد استفاده نمایند ولی در دراز مدت اینچنین نخواهد بود و این مسئله گویای آن است که در مورد غرب آذربایجان بازنده اصلی خود تروریسم کورد خواهند. اما ما نباید این واقعیت را نیز از ذهن خود و ملت آذربایجان دور کنیم که حرکت کند و همه جانبه فعالین و تشکیلات های سیاسی آذربایجان، فرصت لازم را برای تروریسم کورد فراهم خواهد آورد.

## رد پای شووینیسیم فارس در کشتار سپاهیان تورک غرب آذربایجان رضا تورک

کشوری که ایران نامیده میشود در مقطع زمانی کنونی حساس ترین و پیچیده ترین دوران سیاسی خود را سپری میکند. از یک طرف مسائل انرژی هسته ای و مخالفت های بین المللی با ایران، حمایت ایران از تروریسم در عراق، دخالت سیاسی-نظامی در مسائل فلسطین و از سوی دیگر نارضایتی های عمومی و خصوصاً صنفی در ایران و مهمترین معضل این کشور چند ملیتی یعنی مساله قیام ملیتهای غیر فارس بر علیه آپارتاید فارسی در این کشور شرایطی بوجود آورده است که میتوان گفت که نظام جمهوری اسلامی در بدترین شرایط بسر میرود و هرروز نیز بر شدت فشارها بر هئیت حاکمه این کشور اقتدار گرا افزوده میشود.

در شرایط کنونی که بسیاری از سیاستمداران و کاسه لسان دیروز رژیم خود امروز در زندانها بسر میبرند و طیفی از این سرسپردگان نیز با انبوهی از اطلاعات نظامی و استراتژیکی به کشورهایی نظیر آمریکا پناهنده میشوند و نیز تحولات سیاسی و امنیتی و نظامی در خاورمیانه و خصوصاً مناطق غربی آذربایجان، شاید عنوان نمودن این مطلب که ((رد پای شووینیسیم فارس در کشتار سپاهیان تورک در غرب آذربایجان مشهود است)) دور از واقعیت نباشد.

آنچه که عیان است حمایت های بی دریغ رژیم جمهوری اسلامی- فارسی ایران از اکراد تروریست و شمالشرق عراق است که از اینان بعنوان اهرمهای فشار بر کشورهایی نظیر عراق، تورکیه و حرکت ملی آذربایجان بهره می گیرد. هرچند که آمریکا نیز اکنون از حامیان بزرگ اکراد محسوب میشود و اکراد سربازان ارزان قیمت آمریکائیا هستند ولی ایران نیز هیچ وقت حمایت های خود از اکراد را قطع نکرده است. دلیل این سیاست پیچیده را میتوان در تداخل منافع آمریکا و ایران در بهره گیری از کارت کرد دانست که هر یک بنا بر نیاز خود از این سربازان ارزان قیمت استفاده میکنند و البته که اکراد نیز هوشمندانه موقعیت خود در منطقه را تثبیت کرده و خصوصاً رویای تشکیل دولت کردی را به واقعیت نزدیکتر میکنند.

واقعیت آنست که برای جمهوری اسلامی- فارسی ایران که خود بنیانگذار و پدید آورنده و حامی گروه های تروریستی کردی است کنترل این گروه ها و ادعاهای خطرناک ایشان کار سخت و محالی نیست کما اینکه در طول تاریخ اکراد بارها چنین سرنوشتی را تجربه کرده اند، ولی کنترل نصف جمعیت ایران یعنی کنترل نمودن نوادگان بابک و ستارخان کاری بسیار دشوار و شاید جزو محالات باشد. لذا رژیم ضدتورک ایران تمامی تلاش خود را بکار بسته است تا صدای حق طلبی و آزادی خواهی ملت آذربایجان را با ابزارهایی نظیر تروریسم کرد خفه نماید.

در طول چند ماه اخیر چند تن از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران که همگی تورک آذربایجانی بوده اند بنا به اعلام مراجع رسمی ایران در درگیری و یا گرفتار شدن در تله های انفجاری احزاب تروریستی پژاک و پ.ک.ک.ک جان خود را از دست داده اند. وقتیکه ((حنیف درستی)) فرمانده سپاه خوی در منطقه جهنم دره به همراه ۱۷ تن دیگر شهید شدند گمان میرفت رژیم جمهوری اسلامی عملیتهای گسترده و منظم و مداومی را جهت پاکسازی منطقه انجام دهد و لیکن اینگونه نشد و پس از چند حمله جسته و گریخته و کشته شدن چند پاسدار دیگر و چند نیروی درجه چندم محلی پژاک تحولی بوجود نیامد حتی تروریستهای کرد میدان عمل بیشتری نیز بدست آوردند. در ماه گذشته نیز فرمانده تیپ سوم سپاه آذربایجان غربی و معاون حفاظت و اطلاعاتی وی به واسطه گرفتار شدن در تله انفجاری جان خود را از دست دادند. همچنین در منطقه مابین سویوق بولاق (مهاباد) و خانا (پیرانشهر) نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران به اشتباه! با یکدیگر درگیر شدند که به کشته شدن حداقل ۴ سرباز و افسر تورک انجامید.

حال میتوان به این موارد سقوط هواپیمای سپاه در سال قبل در منطقه امامزاده اورمیه اشاره کرد که در طی آن نیز چندین تن از افسران و فرمانده های سپاه که تخصص آنها در جنگهای چریکی با تروریستهای پژاک و پ.ک.ک بود کشته شدند.

وقتیکه این کشتارها و ملیت فرماندهان و افسران کشته شده را مورد دقت قرار دهیم خواهیم دید حداقل ۱۲ تن از افسران ارشد سپاه پاسداران که همگی آذربایجانی بوده اند و تخصص در جنگهای پارتیزانی داشته اند و تجربه و روحیه مبارزه با تروریستهای کرد را داشته اند در طی این ((حوادث)) و ((قضایا)) جان خود را از دست داده اند. به عنوان مثال شخصی همچون ((حنیف درستی)) که خود اهل خوی بود و تمام دوران خدمت وی نیز در این منطقه سپری شده بود در مساله دفع فتنه اکراد بعنوان تکیه گاهی برای اهالی خوی محسوب میشد در طی این ((قضایا)) کشته میشود، نکته جالب اینکه رسانه های خبری دولتی یا وابسته به محافل فارسی ایران از اکراد تروریست با عنوان ((اشرار مسلح)) یاد میکنند و حتی برای احترام به خون شهدا هم که شده واقعیت را نمی گویند و باز به فرافکنی خبری میپردازند، شاید این کشته شدگان لیاقت آنرا ندارند تا قاتلانیشان با نام اصلی یعنی ((تروریستهای کرد)) به ملت معرفی شوند و ملت خفته منطقه از خطرات سهمگین تروریسم کرد آگاهی یابد و تا وقت هست به آمادگی جهت نبردی ناخواسته مهیا گردد.

بنظر چنین میرسد که شووینیسیم فارس همزمان با گشودن آتش بر روی ملت آذربایجان و دستگیری و بازداشتهای فله ایی فعالان حرکت ملی آذربایجان و شدت دادن به خفقان در آذربایجان و میلیتاریزه نمودن شهرهای آذربایجان ((پروژه حذف و ترورهای غیرعلنی فرماندهان سپاهی تورک که بعنوان پایه های مهم در جنگهای بر علیه تروریستهای کرد بشمار میروند را کلید زده است.)) هرچند که بدلیل عدم رشد شعور سیاسی و ملی در بین نیروهای نظامی و امنیتی تورک اینان اکنون در خدمت به دشمنان ملت خود هستند اما در مواقع مقتضی این ناآگاهان با هدایت ملت باگذشت آذربایجان ستونهای نبرد با زیاده خواهان کرد را تشکیل خواهند داد. شووینیسیم فارس با حذف و قتل این فرماندهان درصدد است تا تمامی نیروهای آموزش دیده تورک را که صلاحیت و توان مقابله با تروریسم کرد و ادعاهای ارضی آنها بر سرزمین تاریخی آذربایجان را دارند از بین ببرند و بجای آنها نیروهای غیربومی و یا بی تعصب را بر سر کار گمارند تا در شرایط بحرانی آنچه که به نفع شووینیسیم فارس است رقم زنند و نیز در سرکوب ملت آذربایجان کوتاهی نکنند. وقتیکه رژیم جمهوری اسلامی در حماسه های خرداد و اسفند و مراسم ملی قلعه بابک صدها هزار نیروی یگان ویژه، سپاهی و بسیجی و اطلاعاتی را از کرمان و یزد و تهران و خراسان و شمال و کردستان و لرستان برای سرکوب ملت آذربایجان به این سرزمین متمدن و ستمدیده گسیل میدارد و بر روی ملتی که شعار عدالت و ضد تبعیض سر میدهند گلوله های سربی شلیک میکند و شهرها را تبدیل به جبهه جنگ میکند، چرا همین رژیم نیروهای فارس زبان را برای مبارزه با تروریستهای کرد به غرب آذربایجان اعزام نمیکند؟ چرا باید فرماندهان و سربازان تورک آذربایجانی در جلوی آتش تروریستهای کرد کشته شوند؟ برآستی چه توافقات و پیمانهای پشت پرده ایی بین رژیم فارسی ایران و تروریستهای کرد وجود دارد که اکنون سربازان و فرماندهان تورک باید تاوان آنها را بپردازند؟

آیا وقت آن فرا نرسیده است که نیروهای سپاهی، بسیجی، ارتشی، انتظامی و اطلاعاتی با درک واقعیات سیاسی جامعه ضد تورک ایران و با عنایت به سیر حوادث خطرناک در خاورمیانه که بیش از همه منافع ملی آذربایجان را مورد تهدید قرار میدهند بسوی ملت باگذشت آذربایجان بازگردند و ننگ خدمت به شووینیسیم فارس و خیانت بر علیه ملت خود را برای همیشه به زباله دانی تاریخ ببندازند؟ به امید روزیکه تمامی اقشار ملت آذربایجان با آگاهی و شعور این سرزمین ستمدیده مان را بسوی سعادت و خوشبختی رهنمون سازند.

## بوراسی آذربایجان یا سئو

## یا ترک ائت

## کر کوک زنگ خطر آذربایجان

## بابک اوغلو

آنچه از بولتون‌های خبری برمی‌آید این است که کردهای عراق درصدد آن هستند که به اصطلاح انتخاباتی را در شمال عراق به مرکزیت کر کوک برگزار نموده و منطقه خودمختار یا جمهوری مستقل کردستان را اعلام نمایند.

لازم به توضیح است که اگراد قبل از اجرای این برنامه شوم خود، ترکها و اعراب ساکن کر کوک را طی سالیان قبل (دوره زمانی بعد از شکست صدام در جریان حمله به کویت و شکست متعاقب آن تا زمان حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳) با توسل به زور و اعراب از منطقه بیرون رانده‌اند و با این ادعا که در زمان صدام بسیاری از اگراد از شمال عراق و مخصوصا کر کوک مجبور به کوچ اجباری شده‌بوده‌اند، هم اینک دهها هزار کرد را به کر کوک آورده‌اند تا در آن انتخابات کذائی شرکت کنند. نکته جالب این است که کردهائی که برای انتخابات کر کوک تحت عنوان کر کوکیان کوچانده شده و آورده شده‌اند هیچ خانه و کاشانه‌ای که لااقل ادعائی در مورد آن داشته باشند ندارند (که صد البته هیچگاه نداشته‌اند) و در چادرهایی در حومه کر کوک مستقر شده‌اند که تصاویر آن در شبکه‌های تلویزیونی نمایش داده شده است.

موضوع اصلی و بعبارت بهتر دل نگرانی راقم سطور نتیجه از قبل معلوم شده آن انتخابات کذائی کر کوک و در واقع تاثیر غیر مستقیم آن بر آذربایجان ایران است. طی سال ۲۰۰۶ میلادی ۳ قطعنامه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد بر علیه ایران در موضوع پرونده اتمی صادر شده و در حال حاضر تحت سازمان ملل متحد قرار گرفته است. بر اساس استراتژی جدید کاخ سفید ۲۰ هزار سرباز دیگر وارد عراق خواهند شد و واحدهای دفاع ضد موشکی پاتریوت نیز در عراق مستقر خواهند گردید و دو ناو هواپیما بر یو اس اس آیزنهاور و جان سی استینز در خلیج فارس مستقر گردیده‌اند.

اگر به گزینه‌های بالا دستگیری افراد وابسته به ایران در اربیل را اضافه کنیم و برگزاری کنفرانس هولوکاست در تهران و دیگر ماجراجوئی‌های احمدی‌نژاد را مد نظر قرار دهیم، می‌توان گفت که احتمال وقوع حملات ایالات متحده یا اسرائیل علیه ایران روز به روز فزون تر می‌شود. به نظر می‌رسد در صورت حملات نظامی و سقوط حکومت مرکزی تهران یا تضعیف کامل آن، کردهای ساکن شهرهای آذربایجان با همکاری کردهای عراق و حتی ترکیه به مردمان ترک این شهرها اعلام جنگ کرده و به پاکسازی نژادی دست خواهند زد و اگر شرایط بر همین منوال فعلی باشد به این مهم نائل خواهند آمد چرا که اکثریت قاطع ملت آذربایجان فاقد تجهیزات و تجربه جنگی می‌باشند (برخلاف کردها) و اگراد بدین طریق به ادعاهای دروغین خود مبنی بر کردنشین بودن شهرهای آذربایجان در آن شرایط مناسب جامه عمل خواهند پوشانید. کافی است تا نگاهی به جراید کردزبان کشور بیاندازیم تا شدت و جدیت کردها را برای اشغال شهرهای آذربایجان مشاهده کنیم آنجا که ماکو، خوی، سلماس، ارومیه، سولدوز (نقده)، قوشاچای (میان‌دوآب)، سائین‌قالا (شاهین دژ) و ... را کردنشین معرفی و پیشنهاد تاسیس استان مکریان را می‌دهند!!!!

اما راه حل چیست؟ چه باید کرد؟ چندین راه حل برای این بحران به ذهن خطور می‌کند:

الف) اولین راه حل این است که ملت آذربایجان دل در گرو حمایت فرزندان خویش در ارتش و حتی سپاه و بسیج آذربایجان در جلوگیری از تجاوزات اگراد داشته باشد. اما به نظر می‌رسد در صورت وقوع حملات آمریکا کلیه توانائیهای ارتش و سپاه به لحاظ تجهیزات نظامی متحمل ضربات سختی خواهند شد و به فرض اراده نیروهای ارتش و سپاه آذربایجان برای جلوگیری از تجاوز فی‌الذات کاری از پیش نخواهند برد.

ب) دومین راه حل این است که ملت آذربایجان منتظر دخالت ارتش ترکیه باشند تا نیروهای ارتش ترکیه مانع از تجاوزات کردها به شهرهای آذربایجان شوند اما این گزینه نیز محتمل بنظر نمی‌رسد چرا که اگر قرار بر اقدامی بود بایستی آن را در شمال عراق مشاهده می‌کردیم و کار بدین‌جا نمی‌رسید. چرا که بیشترین ادعای تاریخی ترکیه بر شمال عراق استوار است. اظهر من الشمس است که ایالات متحده که هم اینک با سکوت خود چراق سبز لازم را به کردها می‌دهد تا انتخابات کذائی را برگزار نمایند و در مقابل اعتراضات ترکیه، مسئله کر کوک را مسئله‌ای داخلی نامیده و از پاکسازی نژادی کر کوک توسط اگراد (به علت همکاری کردها با ایالت متحده در جنگ علیه صدام) چشم فرو می‌بندد در صورت تمایل ترکیه برای دخالت در آذربایجان، ایالات متحده اشغال‌گری اگراد را نیز مسئله داخلی ایران خواهد نامید و ترکیه تحت فشارهای ایالات متحده قرار گرفته و مخصوصا که اتحادیه اروپا به احتمال زیاد از دخالت صرف‌نظر خواهد کرد. از طرفی به ترکیه تحت رهبری اردوغان‌ها و اربکانها که حتی از



اعدام عبدالله اوچالان سرکرده گروه تروریستی پ ک ک که دستش به خون بیش از ۳۰ هزار نفر از مردم ترکیه آغشته است عاجز مانده و سراپا گوش به خواسته‌های اتحادیه اروپا دارد نمی‌توان اعتماد کرد.

ج) سومین راه حل که به نظر راقم سطور اصلی‌ترین و کارآمدترین روش اقدام ملت آذربایجان برای دفاع از شرف و ناموس ملی خویش است، آن است که ملت آذربایجان خود به فکر خویش بوده و آمادگی کامل برای برخورد با هر احتمالی را داشته باشد. با توجه به اینکه ترکها در آذربایجان اکثریت قاطع را تشکیل می‌دهند اگر ملت ترک آذربایجان آمادگی دفاع از خود را داشته باشد اقدام کردهای برخی شهرهای آذربایجان حتی به رغم حمایت کردهای عراق و ترکیه به سرانجامی نخواهد رسید و شکست سنگینی بر کردها وارد خواهد شد و در واقع می‌توان گفت حتمی بودن شکست، آنها را از حمله باز خواهد داشت اما اگر همچنان که گذشت ملت آذربایجان آینده خود و فرزنداناش را به اما و اگرها سپرده و بجای اقدام برای دفاع از شرف و ناموس سرزمین نیاکان خود، دفاع از خود را احاله به شرط محال نمایند هزاران هزار صاحب برای مال بی صاحب خاک آذربایجان پیدا خواهد شد و اگر کردها نیز به هر دلیل دندان طمع خویش را از خاک آذربایجان بکشند نباید تعجب کنیم که اشغال‌گران آن سوی ارس (ارمنی‌ها) این سوی ارس را نیز اشغال کرده و به رؤیای ارمنستان بزرگ جامه عمل پوشانند. شایان ذکر است که راهکار سوم (آمادگی ملت آذربایجان) طبیعتاً می‌تواند بصورت تلفیقی با راهکار اول (دفاع نیروهای وطن‌پرست ارتشی و سپاهی آذربایجان از سرزمین مادری) و راهکار دوم (ورود ارتش ترکیه) همراه باشد، اما پر واضح است که اگر ملت فرار را بر قرار ترجیح دهند اقدام نیروهای ارتش و سپاه آذربایجانی نیز نمی‌تواند کاری از پیش برده و به طریق اولی نیز دخالت ارتش ترکیه مالا بی معنی خواهد شد.

من حیث المجموع شاید بتوان گفت که اوضاع منطقه به راه رفتن روی طناب بند بازان می‌ماند که اگر هر بازیگری اندکی سهل‌انگاری کند به پائین خواهد افتاد با این فرق که در زیر طناب بندبازی فعلی دیگر توری برای جلوگیری از صدمه وارده وجود نداشته و آنچه وجود دارد همانا زباله دانی تاریخ است و در صورت هرگونه سهل‌انگاری سرنوشت ترکها و اعراب شمال عراق و کرکوک در انتظار یکایک ملت ترک آذربایجان است.

### کشتار پاسدارها ادامه دارد

#### تورکها در زندان شووینیسیم، اکراد، تروریستهای که آزادند

#### سخنی با سپاهیان، نیروهای اطلاعاتی و انتظامی و بسیجی تورک که در خدمت حکومت فارسی ایران هستند

وقتیکه خبر حمله دیگری از سوی اکراد تروریست بسوی فرماندهان سپاه در مورخه ۸/۳/۸۶ را در وبلاگ کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان دیدم که در پی آن «طالعی» فرمانده تیپ سپاه سلماس و معاون اطلاعاتی سپاه به همراه یک درجه دار، ۲ بسیجی و ۴ سرباز تورک «شهید» شده اند یاد روزهای پرشور آذربایجان در خرداد ۸۵ و نیز اعتراضات عمومی و مدنی ملت آذربایجان در اول مهر ۸۵ و ۲ اسفند ۸۵ و نیز مراسمهای بزرگداشت سالگرد قیام ملت آذربایجان در خرداد ۸۶ می‌افتم که در پی آن پارسال قریب بر ۴۰ تن از بهترین فرزندان آذربایجان جان خود را در راه دفاع از زبان و هویت و حقوق ملی آذربایجان از دست دادند و بسیاری نیز جراحات سختی برداشتند و یا به سیاهچاله‌های رژیم فارسی نژادپرست ایران منتقل شدند و خانواده‌های بیشماری که در شرایط خفقان رژیم دیکتاتوری فارسی ایران بی‌خبر از فرزندان شان، و همسران و کودکانی که حتی اجازه نیافتند در مراسم تشییع جنازه عزیزان شان حضور یابند.

آنچه که در آذربایجان مشخص است، وضعیت فوق‌العاده حساسی است که در پی ایجاد نظم نوین در خاورمیانه بوجود آمده است و سرزمین ما آذربایجان نیز از یک طرف توسط شووینیسیم فارس از سوی دیگر از طرف ارامنه جنایتکار و خصوصاً مدعیان کوه نشین جدید یعنی اکراد تروریست تهدید میشود.

«تشکیل دولت کردی در اراضی آذربایجان» مساله ایی است که امروز حتی آمی‌ترین مردم نیز بدان توجه دارند و خطر آنرا در حد شعور خود درک می‌کنند. اما نمی‌دانم در این بین بسیاری از سپاهیان، نیروهای اطلاعاتی و انتظامی و بسیجی تورک که در خدمت دستگاه فارسی ایران هستند چرا خود را به نفهمی و خواب عمیق و نوکری بی‌چون و چرای شووینیسیم فارس زده اند؟ چرا این قشر از ملت آذربایجان بدور از شعور و تعقل

تماما در خدمت رژیم فارسی و نژادپرست ایران هستند؟ چرا اینان به همان اندازه که از مثلا آمریکا و اسرائیل اظهار نفرت میکنند به همین اندازه نیز هم خونان و همشهریان و همزبانان خود را مورد آزار و اذیت قرار میدهند و بعنوان نوکران و مزدوران حلقه بگوش رژیم فارسی ایران حتی از کشتار همزبانان آذربایجانی خود نیز ابایی ندارند و باتومهایی که بر تن هم کیشان خود فرود می آورند از عمق فاجعه آسیمیلیسیون و بی هویتی این قشر خبر میدهند که اینان چقدر و تا چه اندازه هویت و ناموس خود را در اختیار فارسیها قرار داده اند تا بدستور فارسیها هم زبانان آذربایجانی و تورک خود را سرکوب نمایند، جوانان و دانشجویان، نویسندگان و اندیشمندان آذربایجانی را هرروز بصورت فله ایی بدون توجیه قانونی دستگیر نمایند، پرونده سازی کنند، زندانها را با فرزندان پاک و عدالت خواه آذربایجانی پر کنند و شکنجه گاه هایشان در سیاهچاله هایشان هرروز پذیرای تورکهای آذربایجانی ستمدیده باشد که اینان جرمی جز مطالبه حقوق ملی و انسانی خود که بارها بطور واضح در قانون اساسی ایران و قرآن و کنوانسیونها و قوانین بین المللی حقوق بشر نیز آمده است ندارند. حال این جوانان معصوم و ستمدیده آذربایجانی در زندانها با کسانی هم بند هستند که حداقل جرم تعریف شده بر اینان «عضویت در گروههای تروریستی پژاک و پ ک ک» است.

نمی دانم این نیروهای تورک که همزمان شان در مقابله با اکراد به «شهادت» رسیده اند تا چه حد شعور و فهم سیاسی و اجتماعی دارند، اما مطمئنا همه این نیروها میدانند که اکثریت قریب به اتفاق شهدا از بین ملیت تورک هستند، نمیدانم این نیروهای تورک آیا تا بحال از خود سؤال کرده اند که چرا فارسیها به این نبردها اعزام نمیشوند؟ مطمئنا وقتیکه لشکرها و تیپ های ضد شورش برای سرکوب ملت آذربایجان از کرمان و تهران و یزد و شمال و کردستان به آذربایجان اعزام میشوند، دولت فارسی ایران میتواند نیروهای اینچنینی را نیز برای سرکوبی گروههای تروریستی پژاک و پ ک ک به مرزها گسیل دارد، ولی مساله ایی که در این بین وجود دارد اینست که «مرده برای دولت فارسی ایران خرجی ندارد آنهم اگر سرباز تورک باشد که عالیست».

مدارک و شواهد زیادی وجود دارد که دولت فارسی ایران خود از تروریستهای کرد حمایت میکند، هنوز فراموش نکرده ایم که «بیمارستان عارفیان اورمی» (متعلق به سپاه) محل مداوای زخمیان تروریست کرد بود که در جنگ با تورکیه مجروح میشدند. هنوز فراموش نکرده ایم که در ۸ سال جنگ ایران-عراق احزاب دموکرات کردستان، کومله و اتحادیه میهنی کردستان در جبهه عراق بر علیه ایران در جنگ بودند و امروز دولت فارسی ایران قویترین حامی این تروریستها در منطقه است. براستی چه کسانی مرزها را برای قاچاقچیان کرد باز گذاشته اند تا اینان با کسب درآمدهای بادآورده کلان مافیای اقتصادی در منطقه غرب آذربایجان براه اندازند؟ چه کسانی در شهرهای غربی آذربایجان مشغول پخش انواع مخدر هستند و هیچ مقام امنیتی و انتظامی را تصمیم نبرد با آنها نیست؟ چه کسانی از تمامی فعالیتهای سیاسی و فرهنگی تورکها ممانعت بعمل می آورند و جوانان و مردان و زنان عدالت خواه و هویت گرای آذربایجانی را مورد آزار و اذیت قرار میدهند و در مقابل اکراد با حمایت گروههای تروریستی شان آزادانه در تبلیغ افکار شوم خود هستند؟

اکنون که این سطور را مینویسم در بازداشتگاههای ادارات اطلاعات شهرهای آذربایجان حداقل ۵۰۰ نفر در بازداشت های غیرقانونی بسر میبرند که بسیاری از ایشان تنها بخاطر اندیشه شان بازداشت شده اند، بازداشت کنندگان نیروهای سرسپرده تورک رژیم فارسی ایران هستند، در آنسوی اکراد در مرزها و شهرهای غربی آذربایجان آزادانه قتل عام میکنند، به تشکیل و سازماندهی گروهکهای تروریستی مشغولند، با کسب درآمدهای بادآورده از طریق قاچاق به خرید زمینهای تورکها مشغولند و در بازداشت گاههای رژیم فارسی ایران ستمدیده ترین ملیت ایران یعنی تورکها در انتظار آسمان آبی هستند.

واقعا ننگ باد بر آن بی هویت هایی که بعنوان نوکران و مزدوران حلقه بگوش فارسیها در خدمت این نژادپرستان هستند.

ملت آذربایجان که بشکلی کاملا مدنی فقط حقوق انسانی و ملی خود را مطالبه میکند در شرایط بسیار وخیمی بسر میرد و آنگاه اکراد که چندین گروه تروریستی نیز براه انداخته اند و نیات پلید و شوم زیادی در سر دارند و هر روز نیز تعداد زیادی از همین نیروهای در خدمت فارسیها را قتل عام میکنند آزادانه منطقه غرب آذربایجان را محل تاخت و تاز خود قرار داده اند.

نیروهای تورک اگر فقط یکبار واقع بینانه بیاندیشند خواهند دید که شاید فردا نوبت کشتار ایشان توسط اکراد باشد، این نیروها که سپر بلای این کشور ظالمان هستند بهتر است هر چه زودتر به آغوش ملت باگذشت آذربایجان بازگردند چراکه اینان را هوادار و هواخواهی جز ملت آذربایجان نیست و دولت فارسی ایران نیز بارها با اعزام نیروهای فارس، لر، عرب و... به آذربایجان نشان داده است که به نیروهای تورک اعتماد ندارد و امروز نیروهای تورک تحت امر «جمهوری فارسی ایران» در مساله ضدیت با مساله هویت خواهی آذربایجان دچار اشتباهات شدیدی هستند که ناشی از

عدم رشد شعور فکری-سیاسی این نیروهاست که در گرداب شوونیسم فارس گیر کرده اند. تمامی آذربایجانی ها خواه آن نیروهای تورک تحت امر جمهوری فارسی ایران و خواه آن جوانانی که اکنون در سیاهچاله های آپارتاید فارسی در حبس هستند و یا آن فرزندان پاک و دلیر آذربایجانی که در سال قبل با خون خود درخت تناور هویت خواهی و آزادی ملی آذربایجان را سیراب کردند همگی باهم ملت آذربایجان را تشکیل میدهند. تاریخ تمامی این صحنه ها را بخاطر میسپارد و همگان در مقابل تاریخ پاسخگو هستیم، نمیدانم «خشم نهفته» ملت آذربایجان چه زمانی بروز خواهد کرد.

### با گزارشهایی مملو از شاید، احتمالاً، ظاهراً و قطعی نیست، میخواهند آذربایجان را کردستان نشان دهند

در سالگرد ترور رهبر یکی از حزبهای کردستان، اطلاعیه هایی صادر شده بودند و تبلیغات وسیعی انجام شده بود تا در شهرهای کردستان و نیز تعدادی از شهرهای آذربایجان مراسمی برگزار شود.

این مراسم که شامل تجمعات گسترده، تعطیلی بازار در روز جمعه (که خودبخود اتفاق میافتد چون بازار جمعه ها تعطیل میباشد) و نیز خاموشی چراغهای منازل!! میشد از سوی تقریباً تمامی احزاب کرد تأیید شده بود.

نکته جالب اینکه، تأکید اکثریت حزبهای کردی بر برگزاری این مراسم در سویوق بولاغ (مهاباد)، اورمو (اورمیه) و نیز سولدوز (نقده) میبود. این شهرها به این دلیل حائز اهمیت هستند که به صورت آشکار تبدیل به خط مقدم مبارزه با تروریسم کرد شده اند. اتفاقی که از سوی کردها به آذربایجان تحمیل شده و آهسته آهسته به سوی جنگهای نظامی پیشبرده میشود.

فعالان آذربایجانی هرچند در سخنوری استاد شده اند، اما هنوز به صورت قاطع در برابر زیاده خواهیها و جنگ طلبیهای کردها نایستاده اند. با پیامهای بی اثر و یا دوستیهای کاذب که برای وقت کشی ایجاد میشوند نمیتوان با اشغال شهرهای آذربایجان توسط کردهای تروریست مقابله کرد.

هر چند شهرهای آذربایجانی در اختیار قوای مردمی آذربایجان قرار دارند، ولی وجود نیروهای محافظ از ضروریات میباشد. برای این منظور بایستی شاخه های نظامی کمیته های دفاع از آذربایجان غربی بیشتر و منسجمتر به صحنه آمده و ضعف مدیران به اصطلاح دموکرات منش آذربایجانی را برطرف نمایند.

با اخباری که از اورمو، سویوق بولاغ و سولدوز دریافت کرده ایم مراسم قابل توجهی به جهت پیروی از اعلامیه های احزاب کرد برگزار نشده است. و همچنین درگیریهایی که به دنبال تعقیب و گریز نیروهای دولتی و قاچاقچیان کرد اتفاق میافتند ربطی به مراسم کذائی ندارند. تروریستهای کرد و شاخه های به ظاهر حقوق بشری آنها تلاش میکنند درگیریهای ذکر شده را به عنوان سرکوب هویت خواهی کردها در شهرهای آذربایجان معرفی کرده و از آن استفاده سیاسی بنمایند.

در مصاحبه هایی از این دست حتی مصاحبه کننده نیز سعی میکند شهرهای آذربایجانی را به صورت آشکار تحت تملک کردستان معرفی کنند. حتی در برخی زمینه ها نیز سعی در گذاشتن حرف خود در دهان مصاحبه شونده مینمایند.

چگونه شخصی مانند مسعود کردپور میتواند آزادانه از داخل کشور ایران، با یک رادیوی بیگانه مصاحبه کند، بدون اینکه با نیروهای اطلاعاتی و انتظامی رژیم برخوردی داشته باشد؟ و نیز چگونه میتواند بدون دستگیر شدن همچنان به مخابره اخبار تحریف شده و جهت دار ادامه دهد؟

به بخشهایی از مصاحبه مسعود کردپور با دویچه وئله (آلمان) دقت کنید:

با مسعود کردپور، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر در کردستان در این مورد گفت‌وگویی کرده‌ایم: دویچه‌وله: خبر رسیده که در درگیری‌های اخیر مهاباد یک نفر کشته شده است. آیا این خبر صحت دارد؟

مسعود کردپور: بله. براساس گزارشهایی که رسیده است، در جریان تعطیلی روز جمعه ۲۲ تیرماه که مصادف بود با سالگرد ترور دکتر قاسملو، رهبر حزب دموکرات کردستان ایران، در آن روز تجمعاتی صورت گرفته بود که متأسفانه با دخالت نیروهای انتظامی منجر به درگیری شد و در جریان این درگیری‌ها فردی به اسم عبدالصمد نصیری، یک جوان ۱۷ ساله، متأسفانه کشته شده است.

علت شروع درگیری چه بود؟ آیا از طرف مردم این درگیری یا ناآرامی شروع شد یا از طرف نیروی انتظامی؟

البته با توجه به وضعیت کردستان که همیشه اعتراض وجود داشته است و از اوایل انقلاب نسبت به سیاستهای تبعیض آمیز و آپارتاید قومی و مذهبی موجود در این منطقه، همیشه پتانسیل اعتراض وجود دارد که خصوصاً در سالهای اخیر این اعتراضات بیشتر جنبه‌ی مدنی پیدا کرده است. و با توجه به روند مبارزاتی که وجود داشته است، مردم به این شعور و آگاهی رسیده‌اند که به مبارزاتشان جنبه‌ی مدنی و انسانی بدهند و اطلاع دارید که در این درگیری نیز مردم بازار را در اکثر شهرهای کردستان تعطیل کرده بودند، ولی متأسفانه نیروی انتظامی در شهر مهاباد دخالت و حمله کرد و در واقع خواست یک نوع آشوبی بوجود بیاورد و بتواند در رابطه با این آشوب، خشونت و سرکوب اعمال کند که در جریان این درگیری، این جوان ۱۷ ساله کشته شده است.

گفتید که بازار را تعطیل کرده بودند. ظاهراً در اطلاعیه‌ای که حزب دموکرات کردستان منتشر کرده، فقط خواسته است که ۳ دقیقه برقها را خاموش کنند و هیچگونه درخواستی از مردم برای تظاهرات یا ریختن به خیابانها نبوده است. آیا مردم به خیابانها آمدند و تظاهرات کردند که در جریانش درگیری شروع شد؟

بله، حزب دموکرات تنها خاموشی چراغها را اعلام کرده بود. ولی در شهر مهاباد یک پتانسیل بیشتری وجود دارد برای اعتراض و در برخی مناطق، بویژه منطقه‌ی استقلال این شهر، که «شوانه قادری» دو سال پیش در همین منطقه کشته شد، در آنجا ظاهراً دوستان ایشان همیشه تجمعاتی برگزار می‌کنند و نیروی انتظامی هم بسیار حساس است به تجمع و هرگونه اعتراض که در جریان این اعتراضاتی که صورت گرفت، نیروی انتظامی هم دخالت کرد و در جریان درگیری این جوان کشته شد و دو-سه نفر دیگر نیز، ظاهراً زخمی شده‌اند.

آیا تیراندازی شده و این جوان در اثر تیراندازی کشته شده؟

ظاهراً می‌گویند در اثر باتوم نیروهای انتظامی، نیروهای ضد شورش که در آنجا حضور داشتند، ایشان را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند که در جریان این درگیری ایشان کشته شدند.

آیا خانواده‌ی این فرد قصد شکایت یا پیگیری قضایی این موضوع را دارند؟

البته با توجه به سوابق امر که در هر حال در این قضیه و در این مسئله‌ی حقوقی خود دولت یکطرف قضیه هست، یعنی در واقع نیروی انتظامی، پیگیری پرونده‌های گذشته هم اکثراً بجایی نرسیده است. دولت چون خودش هم باید رسیدگی کند، هم قاضی ست و هم از او شکایت شده است،

رسیدگی نمی کند و این پرونده‌ها همینجور راکد می ماند و اطلاع دارید که اکثراً به نتیجه نیز نرسیده است. پس هیچ انتظاری هم نمی رود که در این رابطه نیز به نتیجه برسد، بویژه در مناطق کردنشین که بویژه خودشان اسم این تجمعات را «اغتشاش» می گذارند، که در واقع «اغتشاش» نیست چون براساس اصل ۲۷ قانون اساسی اصلاً تجمعات آزاد هست و مردم می توانند اعتراض مدنی و مسالمت آمیز خودشان را نسبت به سیاستهای حاکمیت یا نفی خشونت اعلام کنند و بدین وسیله به گوش حاکمان برسانند. ولی با توجه به حاکمیت اقتدارگرایی که وجود دارد که تحمل شنیدن هیچگونه انتقاد و اعتراضی ندارد، متأسفانه گوش شنوایی نیز در این رابطه وجود ندارد و همیشه هرگونه اعتراضی منجر به بوجد آمدن خشونت می شود.

در جریان این ناآرامی ها آیا کسی هم دستگیر شده است؟

ظاهراً بله. در هر ناآرامی یا اعتراضی که صورت می گیرد، در مدنی ترین شکلش هم عده ای را بازداشت می کنند و یا صدمه بهشان می زنند و مشکلاتی برای مردم ایجاد می کنند. متأسفانه خبرهای جدید حاکی از این است که تعدادی بازداشت شده اند. بله.

در حال حاضر وضعیت عمومی شهر مهاباد و بطور کلی استان کردستان به چه صورتی است؟ آرامش برگشته به منطقه یا اینکه هنوز جو متشنج است؟

با توجه به حضور گسترده نیروهای ضدشورش که همیشه در این منطقه حضور دارند و بلافاصله وارد عمل می شوند و حفاظت های نظامی و میلیتاریستی که همیشه وجود داشته و در این مواقع تشدید می شود، به همین دلیل الآن فضا آرامتر است نسبت به چند روز پیش.

مصاحبه گر: میترا شجاعی

### تصفیه نژادی مردم ترکمن کرکوک

کرکوک باید نماد صلح و آسایش و برابری در منطقه باشد. هیچ گروهی نمی تواند و نباید این شهر را ملک اختصاصی خود قلمداد کند. چرا که اگر قرار بر ارجحیت واقعیات تاریخی باشد، ترکمنها باید مدعی این شهر باشند و دیگر اقوام این شهر را باید ترک کنند. ولی اکنون که مردم ترکمن، با سعه صدر و تحمل خود، حضور دیگر اقوام را نیز پذیرا شده اند چگونه گروهی به خود اجازه می دهد کرکوک را از آن خود بدانند؟

وضعیت کنونی کرکوک باید زنگ خطری برای کشورهای منطقه بویژه ترکیه باشد. این کشور نزدیکترین کشور به کرکوک است. بزرگترین و قدرتمندترین کشور ترک زبان جهان به حساب می آید و از نزدیک شاهد درد و رنج مردم ترکمن است.

از سوی دیگر، تصفیه نژادی کرکوک زنگ خطری بسیار جدی برای تمامیت ارضی ترکیه نیز به شمار می رود. ترکیه باید در این قضیه با قاطعیت وارد شود. هیچ اغمازی از این کشور قابل قبول نیست. چرا که در این صورت سیاستمداران کنونی نفرین نسلهای آینده را به دوش خواهند کشید و آیندگان، آنها را نخواهند بخشید. متأسفانه، قضیه ورود به اتحادیه اروپا یا عدم خشنودی ایالات متحده از اقدامات حمایتی ترکیه از ترکمنها، آلت دست خوبی برای تجزیه طلبان عراق شده است به طوری که آنها پایشان را از گلیم خود درازتر کرده اند و حتی چشم به خاک ترکیه دوخته اند و ترکیه را به دخالت در امور داخلی آن کشور تهدید کرده اند.

نمی توان با کسی که در پی غضب خاک و موطن توست و در پی بیرون راندن برادر تو از خانه و کاشانه؛ دست دوستی داد. نمی توان از صلح و دوستی حرف زد وقتی که طرف مقابل، خنجر را به سوی قلب تو نشانه می گیرد. نمی توان برای رضایت این کشور یا آن کشور از تمامیت ارضی و حقوق خود چشم پوشید.

حفظ وطن خط قرمز هر کشور و هر ملتی است. در این باره، سهل انگاری و ساده اندیشی قابل قبول نیست. آنها که امروز به خاک کرکوک و به وطن ترکمنها چشم دوخته اند، فرداروز قطعا به دنبال تصاحب جایی دیگر هم خواهند بود.

کرکوک، موصل، تلافیر ترک هستند و ترک خواهند ماند.

سکوت امروز، خیانت به نسل آینده است. سکوت امروز، به معنای چشم پوشیدن از حقوق آیندگان است. کرکوک اکنون به مثابه شرف و ناموس ترکمنهاست. بسیاری از دلاورمردان ترکمن برای حفظ هویت آن از جان خود گذشته اند و با خون خود ترکمن نشین بودن کرکوک را بر صفحه روزگار نوشته اند. اکنون وظیفه تمام ترکمنها و ترکهای جهان و تمام کشورهای ترک زبان اعم از ترکمنستان، ترکیه، آذربایجان و... است که به پا خیزند و از حق ترکها دفاع کنند. وظیفه همه ترکهاست که به پا خیزند و توطئه ها را خنثی کنند. درد برادر را تنها برادر می داند. ترک غیر از ترک، دوستی ندارد و حق ما را کسی جز خودمان نمی تواند به دست بگیرد.

### افشای فعالیت های پنهان تروریسم کرد در دانشگاه اورمیه

خبر های در یافتی "کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان" از دانشگاه اورمیه حاکی از آن است که فعالیت شاخه های دانشجویی گروه تروریستی کرد pjak برای دریافت حمایت مالی و جذب نیرو برای اعزام به پایگاه های گروه های تروریستی در دانشگاه اورمیه بیشتر شده است.

دانشجویان وابسته به این شاخه های تروریستی اکثر از دانشجویان کرد سایر نقاط هستند که در دانشگاه اورمیه به تحصیل مشغولند. این شاخه های دانشجویی به دلیل محدودیت های موجود در دانشگاه اورمیه در دو هسته زنان به مسئولیت "هه رو معماری" و در هسته مردان به مسئولیت "خالص پایه" (دانشجوی ورودی سال ۷۹ دامپزشکی) فعالیت می کنند. نشریه این شاخه تروریستی بنام "بردیا" بعد از انتشار به صورت مخفیانه در داخل دانشگاه دست به دست می شود و نشریه مجوزدار دانشجویی دیگر به نام "مانش" نیز توسط این شاخه در بین دانشجویان کرد پخش می گردد.

این هسته زنان شاخه دانشجویی گروه تروریستی pjak برای جمع آوری کمک مالی به فعالیت چشم گیری در دانشگاه و خارج از دانشگاه داشته و حتی در این زمینه از هیچ فعل دور از شان انسانی به مانند دزدی و... دریغ نمی کنند. در چند روز گذشته مبالغ زیادی وجه نقد از کیف پول دختران دانشجو در داخل خوابگاه های دختران مفقود شده است. در این رابطه "هه رو معماری" از سوی کمیته انضباطی و حراست دانشگاه احضار و پرونده آن به نیروی انتظامی ارجاع داده شده است. این خانم دانشجوی کرد قبلا نیز چند بار به ستاد خبری اداره اطلاعات اورمیه احضار شده است.

هسته مردان این شاخه دانشجویی وابسته به گروه تروریستی pjak نیز فعالیت پنهانی ولی بسیار قوی ایجاد نشست های آموزشی (در داخل خوابگاههای دانشجویی)، جذب و اعزام نیرو به پایگاه های تروریستی را سازماندهی می کند. "کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان" در آینده نزدیک اسامی دانشجویانی را که بواسطه فعالیت این شاخه تروریستی به پایگاه های تروریستی گروه pjak فرستاده شده اند افشا خواهد نمود.

لازم به توضیح است که سال گذشته یک هسته خبری - تحقیقاتی گروه تروریستی pjak متشکل از دانشجویان دختر و پسر کرد دانشکده کشاورزی اورمیه که به بهانه تحقیقات علمی در روستا های کرد نشین اطراف اورمیه حضور یافته و با گروه تروریستی خود دیدار هایی داشتند، توسط نیروهای اداره اطلاعات شناسایی و متلاشی شدند.

"کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان" دقت فعالین جنبش دانشجویی حرکت ملی آذربایجان دانشگاه اورمیه را به این گونه موارد جلب نموده و از آنها درخواست می کند که ضمن فعالیت های ملی خود خطر حضور دانشجویان کرد وابسته به گروه های تروریستی کرد را از یاد نبرند. "کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان" از فعالین جنبش دانشجویی حرکت ملی آذربایجان دانشگاه اورمیه می خواهد که معلومات خود را در این رابطه به آدرس پست اینترنتی کمیته ارسال نمایند.

## اعتراف تکان دهنده: از سلاح آمریکایی تا تجاوز به دختران جوان

با تسلیم چند عضو گروه تروریستی «پ.ک.ک.» به نیروهای امنیتی، بخشی از روابط تسلیحاتی این تروریست‌ها با ارتش آمریکا و نیز رفتارهای کثیف با اعضای این سازمان تروریستی فاش شد. به گزارش سرویس بین‌الملل «بازتاب» به نقل از روزنامه «ملیت»، ۴ تروریست عضو «پ.ک.ک.» که با فرار از پایگاه‌های سازمان تروریستی در شمال عراق، روز گذشته تسلیم نیروهای امنیتی ترکیه شده‌اند، در خصوص این سازمان تروریستی دست به اعترافات تکان دهنده زدند. تروریست‌ها در پاسگاه ژاندارمری و ریملی در شهرستان سیلوی استان شیرناک برای خبرنگاران مطبوعات گفتند، خصوصاً با آغاز بحث عملیات برون مرزی در روزهای اخیر، اعضای سازمان به ترس و وحشت افتاده‌اند.

کمپ‌ها تخلیه شدند

این ۴ تروریست که یکی از آنها زن بود، توضیح دادند، بحث عملیات برون مرزی در ترکیه، در پایگاه‌های این سازمان تروریستی در شمال عراق و خصوصاً در بین اعضای سازمان رعب و وحشت ایجاد کرده است. آنها گفتند: ما فریب خوردیم و به سازمان تروریستی ملحق شدیم. با مشاهده آنچه که در سازمان روی می‌داد، واقعیات را دیدیم. به ما گفتند اگر تسلیم شوید، در ترکیه با شما بدرفتاری خواهد شد، ولی ما باز هم آمدیم و به نیروهای امنیتی تسلیم شدیم. دیدیم هیچ یک از حرف‌هایی که به ما زده اند، صحت ندارد. در اینجا به هیچ وجه با ما بد رفتاری نشد. صدها نفر از اعضای سازمان مثل ما هستند. اگر به آنها تضمین داده شود، مطمئن هستیم که همه می‌آیند و تسلیم می‌شوند. در روزهای اخیر بحث عملیات برون مرزی باعث شده است ترس و وحشت بر سازمان سایه بیندازد. همه کمپ‌ها تخلیه شدند.

به دلیل فشارها، بعضی از اعضای سازمان خودکشی کردند

تروریست‌ها با ذکر این که در پایگاه‌های سازمان تحت شرایط بسیار سخت زندگی می‌کردند، گفتند: در ترکیه، ایران، عراق و سوریه دختران و پسران جوان را فریب می‌دهند و به پایگاه کوه قندیل می‌آورند. مسئول پایگاه یک عضو سازمان «پ.ک.ک.» با اسم رمز «کاوا» است. به دختران جوان دارو می‌داد و بعد از بیهوش کردن، به آنها تجاوز می‌کرد. به اعضای سازمان هر روز بلغور و لوبیا داده می‌شد. اگر متوجه می‌شدند کسی قصد فرار دارد، فوراً او را به زندان می‌انداختند. در جایی که به آن زندان می‌گفتند، گرسنه و تشنه رها می‌کردند. بعضی از اعضای سازمان به خاطر این فشارها خودکشی کردند. به دلیل نبود آب، فقط سه ماه یک بار می‌توانستیم حمام کنیم. نه دکتري هست که به تو رسیدگی کند و نه دارویی برای درمان.

آمریکایی‌ها اسلحه آوردند

تروریست‌ها خاطر نشان کردند، ایمان خود به سازمان تروریستی را از دست داده‌اند و دیگر به رهبران خود اعتماد ندارند. آنها درباره بمب گذاری‌هایی که اخیراً افزایش یافته نیز توضیح دادند. تروریست‌ها در ادامه اعترافاتشان گفتند: سازمان مین‌های قابل کنترل از راه دور را که اخیراً به کار می‌برد، از شمال عراق تامین می‌کند. علاوه بر این، شاهد بودیم که دو خودرو زرهی آمریکایی به پایگاه کوه قندیل تسلیحات آوردند. سربازان آمریکایی به وسیله این کامیون‌ها تفنگ‌های پیاده لوله بلند مارک M-16 و مهمات مختلف را برای سازمان آوردند. کل مواد منفجره از عراق وارد ترکیه می‌شود.

تروریست‌ها با اشاره به این که در کمپ‌ها هیچ کس به هیچ کس اعتماد ندارد، گفتند: بعضی وقت‌ها که ما بین خودمان صحبت می‌کردیم، مسئول کمپ به ما می‌گفت، آیا شما جاسوس هستید؟ در پایگاه دست کم به صورت گروه‌های ۵-۴ نفری صحبت می‌شد. وقتی دو نفر با هم صحبت می‌کردند، فوراً می‌گفتند، اینها جاسوس هستند. این فشارها را تحمل نکردیم.

همه تسلیم شوید

تروریست‌ها خطاب به سایر افراد «پ.ک.ک» که در کوه هستند، گفتند: دوست داشتن و دوست داشته شدن ممنوع است. اگر هم دوست داشتی، کسی نباید بفهمد. در کوه زندگی وجود ندارد. با اطمینان به عدالت ترکیه و قوانینی که تازه تصویب شده‌اند، تسلیم شوند، هیچ فشاری نیست. سازمان ما را فریب داد. می‌گفتند اگر به ترکیه تسلیم شویم، شکنجه خواهیم شد. دیگر سازمانی به نام «پ.ک.ک» وجود ندارد. خطاب به دوستانی که در کوه هستند، می‌گویم: بیایند تسلیم شوند. در اینجا آینده‌ای بسیار زیبا در انتظارشان است.

## خبرلر:

### توطئه تروریسم کرد ناکام ماند

همزمان با فرارسیدن ۲۳ تیرماه، سالروز مرگ عبدالرحمان قاسملو رئیس تروریست حزب دموکرات کردها، مقادیری شب‌نامه در سطح شهر اورمیه مبنی بر دعوت کردها برای اعتراض به قتل قاسملو پخش شده بود. در بخشی از این شب‌نامه‌ها که از سوی هواداران گروهک تروریستی پژاک پخش گردیده آمده است: ((روزهای شنبه و یکشنبه ۲۳ و ۲۴ تیرماه با تعطیل کردن بازار و امتناع از حضور در محل کار اعتراض خود را به حکومت ددمنش ایران اعلام دارند و نیز در ساعت ۹ شب به مدت ۱۰ دقیقه با خاموش کردن چراغها هماهنگی و یکدلی خود را به همگان اثبات نمایند.))

برهمن پایه و بنا به اطلاعات واصله از سوی شاخه‌های کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در اورمیه، در طی روزها و زمانهای مقرر هیچگونه تحرک و اقدامی مبنی بر اعتراض از سوی اکراد صورت نگرفت. شایان ذکر است بنا به دستور اداره اماکن اورمیه بازار این شهر عملاً در ساعت ۹ رو به تعطیلی است و چراغ مغازه‌ها نیز خاموش میباشند اما جالب آنکه در طی این دو روز تمامی مغازه‌ها در خیابانهای اصلی شهر و معدود مغازه‌های اکراد در حوالی ساعت ۹ شب همگی باز بوده و چراغ آنها پرنورتر از قبل بودند.

### جنایتی دیگر توسط اکراد تروریست در کرکوک

اکراد تروریست در راستای نسل‌کشی تورکمنهای شهر کرکوک و تغییر ترکیب جمعیت این شهر تورک‌نشین و نفت‌خیز و استراتژیک دومین عملیات تروریستی خود در ۱۰ روز اخیر را انجام دادند. در طی این عملیات تروریستی متاسفانه حداقل تاکنون ۹۰ نفر از همزبانان و همخونان تورک در کرکوک کشته شده‌اند و دست کم ۱۸۰ نفر در بیمارستانهای شهر بستری هستند که حال بسیاری از آنها وخیم اعلام شده است. در بین کشته‌شدگان جنازه‌های ۷ کودک شناسایی شده است. این عملیات تروریستی که با انفجار بمب در شمال شهر کرکوک (قسمت تورک‌نشین) انجام شده است دومین عملیات تروریستی اکراد در ۱۰ روز گذشته است. شایان ذکر است هفته قبل نیز در طی بمب‌گذاری اکراد متاسفانه ۱۳۵ نفر تورک جان خود را از دست دادند.

بنظر میرسد همزمان با نزدیک شدن تاریخ برگزاری رفراندوم در کرکوک اکراد تروریست بر شدت تجاوزگریها و جنایتهای خود افزوده‌اند. شایان ذکر است کرکوک شهری در ۲۵۰ کیلومتری بغداد است که تا قبل از حمله آمریکا به عراق بیش از ۸۰ درصد این شهر را تورکها تشکیل میدادند و اقلیتهای قومی دیگری نظیر اعراب، اکراد، کلدانیها، آشوریها نیز در این سکونت داشتند. اما اکنون اکراد تروریست بواسطه سواستفاده از فرصت پیش آمده و با کسب حمایت برخی دولتهای ضد تورک و نیز بی‌لیاقتی رهبران برخی کشورهای منطقه با انجام جنایتهای بیشمار و تجاوز به اراضی تورکها قصد تحقق نیات شوم خود را دارند.



## خبر!

بنا به خبرهای دریافتی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان ۱۱ نفر از نیروهای تروریستی پژاک با مقدار زیادی سلاح سبک و مواد منفجره در شهر اورمیه بازداشت شدند. بر اساس این خبر نیمه شب (ساعت ۲/۳۰) ۸۵/۱/۲۰ نیروهای امنیتی و انتظامی با محاصره خانه ای در منطقه شهرک خیابان فرخی اورمیه توانستند این نیروهای تروریست پژاک را غافلگیر و بدون درگیری خاصی دستگیر نمایند.

به گفته منابع موثق خبری از این خانه تیمی که ظاهراً از مدت ها پیش تحت کنترل بود دو تویوتا هاویلو کس مملو از سلاح کشف شده است. پس از عملیات نیروهای امنیتی یکی از فرماندهان عملیات به مدت ۱۵ دقیقه برای مردمی که تجمع کرده بودند سخنرانی کرده و از آنها خواست که در رابطه با تحرکات تروریست های پ ک ک و پژاک در شهر اورمیه هوشیار باشند.

## مافیای خرید زمین تروریسم کرد در اورمیه نیز فعال شده است

پس از افشای خبر فعالیت های پنهانی مافیای خرید زمین وابسته به تروریسم کرد در منطقه پلدشت، خبر های جدیدی از فعالیت این مافیا در اورمیه می رسد.

بر اساس خبر های دریافتی و تحقیقات به عمل آمده از سوی کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان، در روستای ساری بی لی (از توابع محال باراندوز چایی با ۱۲۰ خانوار جمعیت واقع در ۱۰ کیلومتری جاده اورمیه- سویوق بولاق) مهباد) فردی کرد به نام یونس... که در بازار اورمیه به معاملات پنهانی دلار و مواد مخدر مشغول است به همراه ۲ نفر از افراد اهل تورکیه مشغول خرید زمین های روستای فوق الذکر به قیمت گزافی هستند. بنا به گفته اهالی همین روستا قیمت زمین در شش ماه گذشته از هتکاری پانزده میلیون تومان به هتکاری پنجاه میلیون تومان افزایش یافته است.

در تحقیقات کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان معلوم گردید که فردی تورک به نام کاظم... از اهالی روستای اسلام لی اورمیه (واقع در جاده امامزاده) دلال این مافیای تروریسم کرد می باشد. از نتایج تحقیقات کمیته چنین بر می آید که در ۱۲ سال گذشته قریب به ۱۵ خانوار کورد به این روستا مهاجرت کرده اند که همگی آنها در دام داری و مرغ داری های منطقه مشغول به کار شده اند و در اوایل برای زندگی کردن آلونک هایی در حاشیه روستا ساخته بودند که امروز این آلونک ها تبدیل به ساختمان شده اند.

لازم به توضیح است که روستای ساری بی لی اورمیه به دلیل قرار گرفتن در کنار جاده اورمیه - سویوق بولاق (مهباد) و گذشتن خط راه آهن مراغه - اورمیه از کنار آن، از موقعیت برجسته ای در بین روستا های اطراف برخوردار می باشد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان برای مقابله با پروژه توسعه طلبی ارضی تروریسم کورد، در دیداری که با چند تن از جوانان این روستا داشت ضمن تشریح خطرات تروریسم و اهداف حضور افراد مهاجر و فعالیت مافیای خرید تروریسم کرد در منطقه از آنان خواست که اهالی روستا را از آینده خطرناک و سابقه تاریخی تروریسم آگاه ساخته و با این پروژه مقابله کنند.

## خبرهایی از تحرکات سازماندهی شده ی افراد تروریست

حرکتهای تروریستی گروهکهای افراد در آذربایجان با اشکال و ابعادی متفاوت امنیت زیر ساختاری ملت آذربایجان را نشانه رفته است.

طبق آخرین اخبار رسیده به ((کمیته دفاع از غرب آذربایجان-شاخه قوشاچای)) مقارن روز ۸۶/۱/۲۰ در روستای "قلی حسن" واقع در حومه قوشاچای در پی یک عمل تروریستی یک نفر کشته و پنج نفر جراحات جدی برداشتند. این روستا که از روستاهای واقع در جنوب دریاچه اورمیه می باشد صبح روز بیستم فروردین شاهد انفجار یک بمب ساعتی بود که بنا به گفته شاهدان در پی این عمل تروریستی که منجر به کشته شدن یک

نفر گردید دو نفر کرد با یک ساک دستی به خانه فرد مورد سوء قصد قرار گرفته مراجعه کرده و بعد از دادن ساک دستی به یکی از افراد خانواده از منطقه دور می شوند. ساک حاوی بمب ساعتی بعد از چند دقیقه ای منفجر شده و خسارات مالی و جانی به بار می آورد. اکراد بیشتر از چنین شیوه ای برای ایجاد رعب در اذهان عمومی منطقه استفاده می کنند که این نوع از ترور در بردارنده هشدارهای جدی برای مردم منطقه می باشد.

در یک حرکت ضد انسانی دیگر در روستای "حاج حسن" حومه قوشاچای آب شرب این روستا توسط اکراد تروریست مسموم گردید. این عمل ضد انسانی که می رفت یک فاجعه انسانی را رقم بزند با هوشیاری اهالی روستا بدون تلفات احتمالی از این حیث خنثی گردید. مقارن همان روز ۸۶/۱/۲۸ بعد از آگاهی مردم از مسمومیت آب شرب در همان روستا فردی بنام ((کمال ابوبکری)) از اکراد حاج حسن در خانه اش خود را به دار آویخت. بنابه گفته شاهدان در روز حادثه فرد خود کشتی کرده با سموم شیمیایی در اطراف منبع آب شرب روستا مشاهده گردیده بود. لازم به ذکر است که از این آب منبع بغیر از روستای حاج حسن روستاهای منصور کندی، خوری آوا، ارمک و حومه حاج حسن استفاده می کنند. ساکنان ترک و کرد روستاها بعد از گذشت دو روز از این عمل تروریستی هنوز بطور کامل از شوک تبعات قابل پیش بینی این حادثه خارج نشده اند.

این دو عمل تروریستی که به فاصله هشت روز از هم دیگر در حومه قوشاچای رخ داده اند صدای زنگ خطر است که گروههای تروریستی کرد به صدا در آورده اند. این اولین حرکت تروریستی نیست که امنیت جانی و مالی مردم منطقه را بشدت تهدید میکند اما آنچه مسلم است این گونه تحرکات سازمان یافته با اهداف از پیش تعیین شده که بسترهای وجودی آن در شرایط حاضر از پتانسیل دولتهای حامی تروریست نشات میگیرد در بلند مدت تمام زیر ساختارهای منطقه و انسانهای بی گناه ساکن غرب آذربایجان را نشانه خواهد رفت. نمونه ای از حمایت های آشکار را می توان در سخنرانی مسعود بارزانی در سپتامر ۲۰۰۶ "حرکت های کردها در ترکیه و آذربایجان را نمی توان در قالب تروریسم قرار داد" می توان مشاهده کرد. بارزانی اعمال تروریستی PKK و PJAK را حرکت های به حق کردها می داند.

شایان ذکر است تمامی اعمال فوق الذکر توسط گروهکهای تروریستی کردی سازماندهی و اجرا میشوند که مهمترین دلیل آنرا میتوان تلاش اکراد برای برآوردن جنگ تبلیغاتی و کرد نشین جلوه دادن منطقه نام برد. اینان همچنین با انجام اعمال تروریستی زمینه های انسجام تشکیلاتی را در بین اکراد بوجود می آورند و پدید آوردن فضایی همراه با رعب و وحشت را برای تورکها جهت تخلیه غرب آذربایجان پیگیری میکنند.

### اعلامیه های کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در بین مردم پخش شد

هزاران نسخه از اعلامیه های کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان که حاوی اطلاعاتی در مورد سوابق تاریخی جنایات رهبران یاغی تروریست های کرد در شهرهای ماکی - خوی - سلماس - اورمو - سولدوز - قوشاچای، فعالیت های پنهانی و آشکار گروه های تروریست کرد و هواداران آنها در غرب آذربایجان و راهکار های مقابله با توطئه های تروریست های کرد و... بود، در بین مردم شهر های غرب آذربایجان پخش شد. کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان معتقد است که در شرایط امروزی بهترین راه مقابله با تروریسم در غرب آذربایجان همانا آگاه نمودن عموم مردم از سوابق تاریخی و خطرات فعلی و ارائه راهکار های مقابله و ایجاد روحیه مقاومت در بین مردم است. این اعلامیه که با عنوان "آیا می دانید که..." آغاز شده است با اقبال عمومی روبرو شده و بصورت بسیار گسترده ای در حال دست به دست شدن است.

### خبر از سولدوز:

"در ادامه عملیاتهای تروریستی اکراد، دو تن از جوانان سولدوزی شهید شدند"

بنا به اطلاعات واصله از سوی شاخه سولدوز کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان، یک تن از اهالی سولدوز گروهبان یکم نیروی انتظامی به نام «حمید تقی پور» در درگیری با تروریستهای پژاک و گرفتار شدن در تله انفجاری جان خود را از دست داد. وی برادر «رضا تقی پور» از فعالان سرشناس حرکت ملی آذربایجان در سولدوز بود که ایشان در جریان بازداشتهای فله ایی ماه اخیر ۱۵ روز را در بازداشت اداره اطلاعات نطقه

سپری کردند. گفته میشود به همین جهت مسئولان نیروی انتظامی ابتدا از ذکر عنوان «شهادت» برای وی خودداری میکردند ولی در نهایت با پیگیریهای خانواده اش این سرباز رشید آذربایجان به حق معنوی خود دست یافت.

شایان ذکر است سروان «یوسف بدیعی» اهل اورمیه نیز در همین عملیات تروریستی شهید شدند.

در هفته گذشته نیز «اکبر خدایار» از دیگر جوانان دلیر سولدوزی در منطقه مرزی سلماس به همراه فرماند تیپ دوم قرارگاه حمزه سیدالشهداء به مقام رفیع شهادت نایل آمدند.

در مراسم تشیع جنازه و مجلس ختم شهید حمید تقی پور که با حضور گسترده مردم آگاه و دلاور سولدوز برگزار شد تعدد و کثرت تابلوها و پارچه نوشته هایی بزبان تورکی جلب توجه مینمود. مردم در این پارچه ها از وی بعنوان «سرباز قهرمان و جاوید آذربایجان که جانش را در دفاع از وطن مادریش فدا نموده است» یاد کرده بودند و بار دیگر با اعلام انزجار از تروریسم در غرب آذربایجان، دشمن ستیزی بابک منشانه خود را به رخ اکراد زیاده خواه و تروریست نشان دادند.

شایان ذکر است در پی تشدید حملات تروریستی پژاک و پ.ک.ک به منطقه غرب آذربایجان که در طول ۲۰ روز اخیر حداقل به شهادت ۱۸ تن از جوانان آذربایجانی انجامیده است، نیروهای سپاه پاسداران از اورمیه به نواحی اوشنویه و خانا (پیرانشهر) روانه شده اند و درگیریهایی بین نیروهای سپاه و تروریستهای کرد ادامه دارد.

### اکراد مهاجر تروریست در غرب آذربایجان جنایت آفرینند

بنا به گزارش های اولیه دریافتی " کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان " عصر روز جمعه ۴ / ۳ / ۸۶ دو نفر از تورک های اورمیه در منطقه گردشگاه تفریحی آبشار سلوک به دست اکراد مهاجر تروریست به قتل رسیده اند. گزارش های مقدماتی حاکی از آن است که این دو نفر که به همراه خانواده خود در این منطقه تفریحی اتراق کرده بودند، بعلت مزاحمت چند تن از اکراد به خانواده شان با آنها درگیر می شوند. متأسفانه چون این منطقه به علت موقعیت جغرافیایی و حضور گروه های تروریستی کرد خارج از نظارت نیروی انتظامی بوده و در تسلط کامل اکراد مهاجر منطقه می باشد، این دو نفر براحتی از سوی اوپاشان کرد مورد هجوم قرار می گیرند و با کمال تأسف و بصورت وحشیانه در مقابل چشمان خانواده به قتل می رسند. بنا به گفته شاهدان عینی شیون های جانسوز خانواده این مقتولین حتی خود اکراد مهاجر ساکن در منطقه را متأثر کرده بود. چند ساعت بعد از این جنایت وحشیانه منطقه و جاده های اطراف از سوی هنگ مرزی نیروی انتظامی محاصره شده و خانواده و اجساد مقتولین به شهر انتقال داده شدند، آخرین خبر حاکی است که نیروی انتظامی تاکنون موفق به دستگیری عاملین این قتل وحشیانه نشده است، گفته ها حاکی از آن است که چند نفر از عاملین این قتل به عراق و پایگاه های گروه تروریستی پژاک پناهنده شده اند. " کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان " در تلاش است برای افشای هویت واقعی تروریسم کرد و حضور اکراد مهاجر در غرب آذربایجان جزئیات کامل تری از جنایت و هویت مقتولین بی گناه کسب و منتشر کند.

### وقوع درگیری خونین میان نیروهای ایران با تروریستهای پژاک در غرب آذربایجان

بنا به گزارش های منتشره از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در درگیر نیروهای دولتی ایران با تروریست های پژاک ۱۰ نفر از تروریست ها کشته و یک نفر از آنها نیز دستگیر شدند. خبر های دریافتی " کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان " حاکی از آن است که روز سه شنبه ۸ / ۳ / ۸۶ گردان نیرو مخصوص لشکر ویژه شهدا (متعلق به سپاه اورمیه) برای از بین بردن نیروهای تروریست پژاک در منطقه عمومی سلماس و قطور خوی وارد عمل می شوند، صبح روز چهارشنبه ۹ / ۳ / ۸۶ تعدادی از این نیروها حین پاکسازی منطقه در کمین تروریست های پژاک افتاده و متأسفانه هفت نفر از آنها جان خود را از دست می دهند. " کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان " با ابراز تأسف از شهادت این پاسداران و سربازان که متأسفانه تعدادی از آنها نیز تورک و اهل سلماس بودند، بارها بدین مسئله متذکر شده است که چرا باید تاوان سیاست های غلط مرکز نشینان را مردم بی گناه تورک غرب آذربایجان و فرزندان سرباز آنها بپردازند. اگر امروز منطقه غرب آذربایجان به پایگاه و منطقه عملیاتی تروریست های کرد تبدیل شده است نتیجه سیاست های منفی و غلط مسئولان بی لایق در تغییر ترکیب جمعیتی منطقه و حمایت های بی دریغ از گروه تروریستی pkk در مقابل کشور تورکیه می باشد.

## تحرکات سازمان یافته هواداران گروه های تروریستی کرد در شهرستان خوی

بنا به خبر های رسیده به " کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان " برخی از هواداران گروهک های تروریستی کرد در شهرستان خوی برای عرض اندام و ایجاد جو روانی تحرکات سازمان یافته ای را آغاز کرده اند، که با اقدامات لازم کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان این توطئه رواغنی خنثی شد. در روزهای گذشته صاحب مغازه عکاسی " فیروز " ( واقع در خیابان امام خوی، نبش پاساژ فخری به شماره تلفن ۲۲۲۳۴۸۸ ) که از اکراد مهاجر به شهر خوی می باشد در اقدامی تحریک آلود و عمدی تصاویر بزرگ اسماعیل سیمکو از رهبران یاغی و تروریست کرد که عامل قتل عام صدها نفر از ترک ها در غرب آذربایجان می باشد به ویتترین و دیوار های مغازه خود نصب کرده بود. این اقدام معنی دار با اقدامات لازم کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان و عکس العمل شدید مردم روبرو شد. در بار دوم صاحب این مغازه عکاسی با برداشتن تصاویر بزرگ اسماعیل سیمکو بجای آن تصاویر کوچکی از این جنایت کار را ژست ویتترین های خود قرار داد که اینبار با هشدار های جدی مجبور به برداشتن تصاویر کوچک شد. این اقدامات هواداران گروهک های تروریستی که نشات گرفته از آموزش های تشکیلاتی است هدفی جز ایجاد جو روانی و استفاده های تبلیغی ندارد. " کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان " از همه مردم آذربایجان خصوصا فعالین حرکت ملی در غرب آذربایجان می خواهد که در موارد مشابه هوشیاری لازم را داشته و در صورت امکان خبر و آدرس آن را به کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان ارسال دارند. زیرا گروهک های تروریستی کرد با این اقدامات هر چند کوچک تبلیغات روانی بزرگی را در تلویزیون های خود به راه می اندازند.

## توطئه تروریسم کرد اینبار به دست مافیای زمین در پلدشت رقم می خورد

بنا به خبر های دریافتی " کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان " و تحقیقات به عمل آمده از سوی کمیته، توطئه سازماندهی شده ای از سوی تروریسم کرد این بار در قالب مافیای خرید زمین های منطقه پلدشت که از سوی چند سرمایه دار وابسته به تروریسم کرد هدایت می شود رقم می خورد.

این مافیای خرید زمین مرتبط با تروریسم کرد با سئو استفاده از ایجاد پروژه اقتصادی منطقه آزاد تجاری در منطقه پلدشت، شروع به خرید زمین ها به قیمت گزاف از صاحبان تورک آنها می کند. نتیجه تحقیقات حضوری نمایندگان کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان حاکی از آن است که در عرض یک ماه گذشته قیمت زمین در این منطقه به یکباره ۵ برابر افزایش یافته و خریداران آن تماما کرد های مهاجر ساکن در روستا های اطراف شهر پلدشت می باشند.

در این تحقیقات آشکار شده است که چند سرمایه دار کرد که از وابستگان گروه های تروریستی کرد هستند با اجیر کردن اکراد مهاجر ساکن در روستا های اطراف توطئه سازماندهی شده خود را به صورت آرام ولی کاملاً جدی به پیش می برند. متأسفانه باید اذعان داشت که چند تن از مقامات مسئول منطقه ای ( این مقامات از تورک های منطقه هستند ) نیز بدون توجه به عواقب این خرید های هدفدار با مافیای خرید زمین ها در ارتباط تنگاتنگ می باشند و با کمال تأسف مردم تورک منطقه نیز بدون آگاهی و به خاطر افزایش قیمت عمدی زمین ها با ولع مشغول فروختن زمین ها به این مافیای خرید زمین مرتبط با تروریسم کرد هستند.

منطقه پلدشت به دلیل هم مرزی با جمهوری آذربایجان و نزدیکی به مرزهای تورکیه از موقعیت ژئوپولتیکی و استراتژیکی برخوردار است و تغییر ترکیب جمعیتی منطقه و تصاحب زمین ها از سوی اکراد می تواند تبعات جبران ناپذیری را برای آذربایجان فراهم آورد. در کنار آن علیرغم سود سرسام آوری که ممکن است از ایجاد منطقه آزاد تجاری نصیب مردم منطقه شود مهاجرت دوباره اکراد به این منطقه بر خطرات احتمالی ظهور غده سرطانی تروریسم کرد خواهد افزود.

به نظر می رسد تروریسم کرد از طرح و پیش برد این پروژه چند مسئله مهم را دنبال می کند:

۱- تثبیت حضور اکراد مهاجر در منطقه (عشایر کرد)

۲- بالا بردن سطح رفاه اقتصادی اکراد مهاجر منطقه

۳- ایجاد زمینه های اقتصادی برای آغاز دوباره مهاجرت های جدید اکراد به منطقه

۴- بدست گرفتن نبض اقتصادی منطقه

۵- تصاحب اراضی کشاورزی منطقه

۶- تسلط بر منابع آبی رود آراز و منطقه (با توجه به بحران های آبی که در آینده منطقه دچار آن خواهد شد)

۷- بستن مرزهای جمهوری آذربایجان در صورت ایجاد شرایط فوق العاده در منطقه

۸- ایجاد پل همکاری نزدیک تر بین احزاب تروریست داشناک (ارمنی) و تروریسم کرد

۹- ...

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان در روزهای گذشته تلاش کرده است که با ارسال پیام های کوتاه تلفن همراه و دیدار و رایزنی با فعالین حرکت ملی در منطقه، برخی اقدامات لازمه را جهت آگاهی بخشی مردم به انجام رسانیده است. لذا این کمیته از همه فعالین حرکت ملی آذربایجان خصوصا تلویزیون ملی آذربایجان، درخواست می کند که با استفاده از ابزار های مختلف به افشا و توضیح زوایای پنهان و آشکار این توطئه پرداخته و مردم منطقه پلدشت را از خطر حضور اجیر شدگان مافیای خرید زمین مرتبط با تروریسم کرد آگاه سازند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان به چند تن از مسئولین و مقامات محلی منطقه پلدشت که به طمع پول همکاری مستند و غیر قابل انکاری با این مافیا دارند، هشدار می دهد که کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان بصورت مستند عملکرد آنان را بدقت دنبال می کند و مسئولیت و عواقب ظهور غده سرطانی تروریسم کرد در منطقه بر عهده آنان خواهد بود.

# Şəhidlər ölməz Vətən bölünməz

## آمرلی فاجعه سی مناسبتیله هجران قاضی اوغلو

وطنی قان قابالمیش هر گون شهیدلر یاسی  
انا بابا یا بیر دول قادینین وایلاسی  
باچی قارداش قومشو دوست ، یتیملر اغلاماسی  
فتنه-یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
چوق اوجاق سوندوره-جک دولاشاجاق هر جانا

وطنی باشتان باشا الینده-ن سالان هیئت!  
چوق سوزلری بیراقین یانیور وطن، مللت!  
بابانیزجین گونده-رین آزیندان بیر گون رحمت!  
فتنه-یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
مللته خدمت ایچین آند ایچتینیز قرآنا

وطنی قان قابلامیش هر گون شهیدلر یاسی  
انا بابا یا بیر دول قادینین وایلاسی  
هم یتیملر هم باچی قارداشلار اغلاماسی  
فتنه-یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
چوق اوجاق سوندوره-جک دولاشاجاق هر جانا

یئتمه زمی بو قادار دول یئتمه-زمی بونجا یتیم؟  
بو قانی دوروتما یا وطندا یوقمو حکیم؟  
بونا تانری قاتیندا کیم جواب ویره-جک کیم؟  
فتنه-یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
بوغضی سارما یا کیم کله-جک ایمانا؟

هر حرفین نقطه-سینی قویالیم یئته-ر ارتیق  
اولماسین یارینیمیز بو گونده-ن بته-ر ارتیق  
جان گیدیر قان قالاچاق ده-مه-یین بیته-ر ارتیق  
فتنه-یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
بیر یانسن یوره-گینیز آله-وله-نمیش وطنا

بونلار یئنی عراقین هر گونکو عاشوراسی  
 بونلار یئنی عراقین ان مدهش منظراسی  
 بونون، بیرلیکته ان باشقا هیچ بولونماز چاراسی  
 فتنه یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
 صون پيشمانلیق آل ویرمه ز نه بنا نه ده سنا

بو هر داغلی کیمسه نین هر حر انسانین سه سی  
 ده ردی مللت چکیور قیره جکک ده قفصی  
 بو، ادامی یئرینه قویمامانین خطاسی  
 فتنه یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
 حر اولون حر چالیشین قیمت ویرین انسانا

سیزلره سه سلر وئردیک تهلهکه یه دایانندیق  
 مینلر اوسته یورودوک آل قانلارا بویانندیق  
 اما بو گون اغالار او اویقودان اویانندیق  
 فتنه یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
 لعنت گلکسین بیرده سه س کیم ویره ره سه شیطانا

نه سنی نه شیعه سی بسله نیشیغ بیر یئرده !!  
 بیر یاستیغا باش قویموش بو ایکسی چوق ائوده  
 پایلاشتیغ آغ قارایی دوزدوغ غمه هر ده ره  
 فتنه یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
 لعنت کلکسین بو شری هر کیمسه اویادانا

مللتین وکیلله ری انجاق دنیا واییندا  
 هر بیر ده اوینویور بیر دولت نین نایی ندا  
 سانکی دا پارماغلاری فتنه فساد یایی ندا  
 فتنه یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
 لعنت اولسون بونلاری بویله قابا قویانا

آمرلی فاجعه سی امتحاندر قارداشلار!!  
 دولت دقت ابله سین بوردان باشلار باریشلار!!  
 بو اوغوز قالاسیدیر بوردان سؤنه ر آتاشلار!!  
 فتنه یی سوندورون یا اولاشاجاق هر یانا  
 باتماسین بیرده تورکمان قارایا، قیزیل قانا